بیانات در پنجمین اجلاس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین - 9 /مهر/ 1390

بسم الله الرحمن الرحیم

السلام علیکم و رحمة الله
الحمدالله رب العالمین و الصلاة و السلام علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و صحبه المنتجبین و علی من تبعهم باحسانٍ الی یوم الدین.
قال الله الحکیم: أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ {٣٩} الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ {٤٠}

به میهمانان عزیز و همه‌ی حضار گرامی خوشامد میگویم . در میان همه‌ی موضوعاتی که شایسته است نخبگان دینی و سیاسی از سراسر جهان اسلام به آن بپردازند ، مسأله‌ی فلسطین دارای برجستگی ویژه‌ئی است . فلسطین مسأله‌ی اول در میان همه‌ی موضوعات مشترك کشورهای اسلامی است . مشخصات منحصر به فردی در این مسأله وجود دارد :
اوّل : اینکه یك کشور مسلمان از ملت آن ، غصب و به بیگانگانی که از کشورهای گوناگون گردآوری شده و جامعه‌ئی جعلی و موزائیکی تشکیل داده‌اند ، سپرده شده است .
دوم : آنکه این حادثه‌ی بی‌سابقه در تاریخ ، با کشتار و جنایت و ظلم و اهانت مستمر انجام گرفته است .
سوم : آنکه قبله‌ی اوّل مسلمانان و بسیاری از مراکز محترم دینی که در این کشور قرار دارد ، به تخریب و توهین و زوال تهدید شده است.
چهارم : آنکه این دولت و جامعه‌ی جعلی در حساسترین نقطه‌ی جهان اسلام، از آغاز تا کنون ، نقش یك پایگاه نظامی و امنیتی و سیاسی را برای دولتهای استکباری بازی کرده و محور غرب استعماری که به علل گوناگون ، دشمن اتحاد و اعتلاء و پیشرفت کشورهای اسلامی است ، از آن همواره چون خنجری در پهلوی امت اسلامی استفاده کرده است .
پنجم : آنکه صهیونیزم که خطر اخلاقی و سیاسی و اقتصادی بزرگی برای جامعه‌ی بشری است ، این جای پا را وسیله‌ئی و نقطه‌ی اتکائی برای گسترش نفوذ و سلطه‌ی خود در جهان قرار داده است .
نکات دیگری را هم میتوان بر اینها افزود : هزینه‌ی مالی و انسانی سنگینی که کشورهای اسلامی تا کنون پرداخته‌اند ؛ اشتغال ذهنی دولتها و ملتهای مسلمان ؛ رنج میلیونها آواره‌ی فلسطینی که بسیاری از آنان پس از ٦ دهه هنوز در اردوگاهها زندگی میکنند ؛ انقطاع تاریخ یك کانون مهم تمدنی در جهان اسلام و و و .. .
امروزه بر این دلائل ، یك نکته‌ی کلیدی و اساسی دیگر افزوده شده است و آن نهضت بیداری اسلامی است که سراسر منطقه را فرا گرفته و فصل تازه و تعیین کننده‌ئی در سرگذشت امت اسلامی گشوده است . این حرکت عظیم که بیگمان میتواند به ایجاد یك مجموعه‌ی مقتدر و پیشرفته و منسجم اسلامی در این نقطه‌ی حساس جهان منتهی شود و بحول و قوه‌ی الهی و با عزم راسخ پیشروان این نهضت، نقطه‌ی پایان بر دوران عقب ماندگی و ضعف و حقارت ملتهای مسلمان بگذارد ، بخش مهمی از نیرو و حماسه‌ی خود را از قضیه‌ی فلسطین گرفته است .
ظلم و زورگوئی روز افزون رژیم صهیونیستی و همراهی برخی حکام مستبد و فاسد و مزدور آمریکا با آن از یك سو ، و سر بر آوردن مقاومت جانانه‌ی فلسطینی و لبنانی و پیروزیهای معجزه آسای جوانان مؤمن در جنگ‌های ٣٣ روزه‌ی لبنان و ٢٢ روزه‌ی غزه از سوی دیگر ، از جمله‌ی عوامل مهمّی بودند که اقیانوس بظاهر آرام ملتهای مصر و تونس و لیبی و دیگر کشورهای منطقه را به تلاطم درآوردند .

این یك واقعیت است که رژیم سراپا مسلّح صهیونیست و مدعی شکست ناپذیری ، در لبنان در جنگی نابرابر ، از مشت گره شده‌ی مجاهدان مؤمن و دلاور ، شکست سخت و ذلتباری خورد ، و پس از آن در برابر مقاومت مظلومانه و پولادین غزه ، بار دیگر شمشیر کند خود را آزمود و ناکام ماند .
اینها باید در تحلیل اوضاع کنونی منطقه مورد ملاحظه‌ی جدّی قرار گیرد و درستی هر تصمیمی که گرفته میشود با آن سنجیده شود .
پس این ، قضاوت دقیقی است که مسأله‌ی فلسطین ، امروز اهمیت و فوریت مضاعف یافته است و ملت فلسطین حق دارد که در اوضاع کنونی منطقه ، انتظار بیشتری از کشورهای مسلمان داشته باشد .
نگاهی به گذشته و حال بیندازیم و برای آینده ، نقشه‌ی راهی ترسیم کنیم . من رؤس مطالبی را در میان میگذارم .
بیش از ٦ دهه از فاجعه‌ی غصب فلسطین میگذرد . عوامل اصلی این فاجعه‌ی خونین ، همه شناخته شده‌اند و دولت استعمارگر انگلیس در رأس آنها است که سیاست و سلاح و نیروی نظامی و امنیتی و اقتصادی و فرهنگی آن و سپس دیگر دولتهای مستکبر غربی و شرقی در خدمت این ظلم بزرگ به کار افتاد. ملت بی پناه فلسطین در زیر چنگال بیرحم اشغالگران ، قتل عام و از خانه و کاشانه‌ی خود رانده شد . تا امروز هنوز یك صدم فاجعه‌ی انسانی و مدنی‌ئی که به دست مدعیان تمدن و اخلاق ، در آن روزگار اتفاق افتاد به تصویر کشیده نشده و بهره‌ئی از هنرهای رسانه‌ئی و تصویری نیافته است . اربابان عمده‌ی هنرهای تصویری و سینما و تلویزیون و مافیاهای فیلم‌سازی غربی این را نخواسته و اجازه‌ی آن را نداده‌اند . یك ملت در سکوت ، قتل عام و آواره و بی‌خانمان شد .
مقاومتهائی در آغاز کار پدید آمد که با شدت و قساوت سرکوب شد . از بیرون مرزهای فلسطین و عمدتاً از مصر ، مردانی با انگیزه‌ی اسلامی تلاشهائی کردند که از حمایت لازم برخوردار نشد و نتوانست تأثیری در صحنه بگذارد .
پس از آن نوبت به جنگهای رسمی و کلاسیك میان چند کشور عرب با ارتش صهیونیست رسید . مصر و سوریه و اردن نیروهای نظامی خود را وارد صحنه کردند ولی کمك بیدریغ و انبوه و روز افزون نظامی و تدارکاتی و مالی از سوی امریکا و انگلیس و فرانسه به رژیم غاصب ، ارتشهای عربی را ناکام کرد . آنها نه فقط نتوانستند به ملت فلسطین کمك کنند ، که بخشهای مهمی از سرزمینهای خود را هم در این جنگها از دست دادند .
با آشکار شدن ناتوانی دولتهای عرب همسایه با فلسطین ، به تدریج هسته‌های مقاومت سازمان یافته در غالب گروههای مسلح فلسطینی شکل گرفت و پس از چندی از گرد آمدن آنها « سازمان آزادی بخش فلسطین » تشکیل یافت . این برق امیدی بود که خوش درخشید ولی طولی نکشید که خاموش شد . این ناکامی را میتوان به علل متعددی منسوب کرد ولی علت اساسی ، دوری آنان از مردم و از عقیده و ایمان اسلامی آنان بود . ایدئولوژی چپ و یا صرفاً احساسات ناسیونالیستی آن چیزی نبود که مسأله‌ی پیچیده و دشوار فلسطین به آن نیاز داشت . آنچه میتوانست ملتی را به میدان مقاومت وارد کند و نیروئی شکست ناپذیر از آنان فراهم آورد ، اسلام و جهاد و شهادت بود . آنها این را به درستی درك نکردند . من در ماههای اول انقلاب کبیر اسلامی که سران سازمان آزادی بخش روحیه‌ی تازه‌ئی یافته و به تهران مکرراً آمد و شد می‌کردند ، از یکی از ارکان آن سازمان پرسیدم : چرا پرچم اسلام را در مبارزه‌ی به حق خود بلند نمی‌کنید . پاسخ او این بود که در میان ما بعضی هم مسیحی‌اند . این شخص بعدها در یك کشور عربی به دست صهیونیستها ترور و کشته شد و انشاءالله مشمول مغفرت الهی قرار گرفته باشد ولی این استدلال او ناقص و نارسا بود . به گمان من یك مبارز مسیحی مؤمن در کنار یك جمع مجاهد فداکاری که خالصانه با ایمان به خدا و قیامت و با امید به کمك الهی می‌جنگد و از حمایت مادی و معنوی مردمش برخوردار است ، انگیزه‌ی بیشتری برای مبارزه مییابد تا در کنار گروه بی ایمان و متکی به احساسات نا پایدار و دور از پشتیبانی وفادارانه‌ی مردمی .
نبود ایمان راسخ دینی و انقطاع از مردم ، به تدریج آنان را خنثی و بی‌تأثیر کرد. البته در میان آنان مردان شریف و پرانگیزه و غیور بودند ولی مجموعه و سازمان به راه دیگری رفت . انحراف آنان به مسأله‌ی فلسطین ضربه زد و هنوز هم میزند . آنها هم مانند برخی دولتهای خائن عربی به آرمان مقاومت که تنها راه نجات فلسطین بوده و هست ، پشت کردند ، و البته نه فقط به فلسطین ، که به خود هم ضربه‌ی سختی وارد کردند . بقول شاعر مسیحی عرب :

لئن اضعتم فلسطيناً فعيشكم طول الحياة مضاضات و آلامٌ

سی و دو سال از عمر نکبت بدین ترتیب سپری شد .. ولی ناگهان دست قدرت خداوند ورق را برگرداند . پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷ هجری شمسی) اوضاع این منطقه را زیر و رو کرد و صفحه‌ی جدیدی را گشود. در میان تأثیرات شگرف جهانیِ این انقلاب و ضربه‌های شدید و عمیقی که بر سیاستهای استکباری وارد ساخت ، از همه سریعتر و آشکارتر ، ضربه به دولت صهیونیست بود . اظهارات سران آن رژیم در آن روزها خواندنی و حاکی از حال و روز سیاه و پر اضطراب آنها است . در اولین هفته‌های پیروزی ، سفارت دولت جعلی اسرائیل در تهران تعطیل و کارکنان آن اخراج شدند و محل آن رسماً به نمایندگی سازمان آزادی بخش فلسطین داده شد که تا امروز هم در آنجا مستقرند . امام بزرگوار ما اعلام کردند که یکی از هدفهای این انقلاب آزادی سرزمین فلسطین و قطع غده‌ی سرطانی اسرائیل است . امواج پرقدرت این انقلاب که آن روز همه‌ی دنیا را فراگرفت ، هر جا رفت با این پیام رفت که : فلسطین باید آزاد شود . گرفتاریهای پیاپی و بزرگی که دشمنان انقلاب بر نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل کردند که یك قلم آن جنگ ۸ ساله‌ی رژیم صدام حسین به تحریك آمریکا و انگلیس و پشتیبانی رژیمهای مرتجع عرب بود ، نیز نتوانست انگیزه‌ی دفاع از فلسطین را از جمهوری اسلامی بگیرد .

بدین گونه خون تازه‌ای در رگهای فلسطین دمیده شد . گروههای مجاهد فلسطینی مسلمان سر برآوردند . مقاومت لبنان جبهه‌ی نیرومند و تازه‌ئی در برابر دشمن و حامیانش گشود . فلسطین به جای تکیه به دولتهای عربی و بدون دست دراز کردن به سوی مجامع جهانی از قبیل سازمان ملل ـ که شریك جرم دولتهای استکباری بودند ـ به خود ، به جوانان خود ، به ایمان عمیق اسلامی خود و به مردان و زنان فداکار خود تکیه کرد .

این کلید همه‌ی فتوحات و موفقیتها است.

در سه دهه‌ی گذشته این روند روز به روز پیشرفت و افزایش داشته است . شکست ذلتبار رژیم صهیونیستی در لبنان در سال ۲۰۰۶ (۱۳۸۵ هجری شمسی) ، ناکامی فضاحتبار آن ارتش پر مدعا در غزه در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۷ هجری شمسی) ، فرار از جنوب لبنان و عقب نشینی از غزه ، تشکیل دولت مقاومت در غزه و در یك جمله تبدیل ملت فلسطین از مجموعه‌ئی از انسانهای درمانده و نا امید ، به ملت امیدوار و مقاوم و دارای اعتماد به نفس ، مشخصه‌های بارز سی سال اخیر است .

این تصویر کلی و اجمالی آنگاه کامل خواهد شد که تحرّکات سازشکارانه و خیانتباری که هدف از آن ، خاموش کردن مقاومت و اعتراف گیری از گروههای فلسطینی و دولتهای عرب به مشروعیت اسرائیل بود ، نیز به درستی دیده شود .

این تحرکات که آغاز آن به دست جانشین خائن و ناخلف جمال عبدالناصر در پیمان ننگین کمپ دیوید اتفاق افتاد ، همواره خواسته است نقش سوهان را در عزم پولادین مقاومت ایفاء کند . در قرارداد کمپ دیوید برای نخستین بار یك دولت عرب ، رسماً به صهیونیستی بودن سرزمین اسلامی فلسطین اعتراف کرد و پای نوشته‌ئی که در آن « اسرائیل ، خانه‌ی ملی یهودیان » شناخته شده است ، امضای خود را گذاشت .

از آن پس تا قرارداد اسلو در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲ هجری شمسی) و پس از آن در طرحهای تکمیلی که با میدان داری آمریکا و همراهی کشورهای استعمارگر اروپائی، پی در پی بر دوش گروههای سازشکار و بی‌همتی از فلسطینیان گذاشته شد ، همه‌ی سعی دشمن بر آن بود که با وعده‌های پوچ و فریب آمیز ، ملت و گروههای فلسطینی را از گزینه‌ی مقاومت ، منصرف کند و به بازی ناشیانه در میدان سیاست سرگرم سازد . بی‌اعتباری همه‌ی این معاهدات بسیار زود آشکار شد و صهیونیستها و حامیان آنها بارها نشان دادند که به آنچه نوشته شده است به چشم ورق پاره‌های بی‌ارزشی مینگرند . هدف از این طرحها ، پدید آوردن دو دلی در فلسطینیان و به طمع انداختن افراد بی‌ایمان و دنیا طلبِ آنان و زمینگیر نمودن حرکت مقاومت اسلامی بوده است و بس.

پادزهر همه‌ی این بازیهای خیانت آمیز تاکنون ، روحیه‌ی مقاومت در گروههای اسلامی و ملت فلسطین بوده است . آنها به اذن خدا در برابر دشمن ایستادند و همانطور که خداوند وعده داده است که : وَلَيَنصُرَنَّ اللهُ مَن يَنصُرُهُ ، إنَّ اللهَ لَقويٌّ عَزيزٌ ، از کمك و نصرت الهی برخوردار شدند . ایستادگی غزه با وجود محاصره‌ی کامل ، نصرت الهی بود ؛ سقوط

رژیم خائن و فاسد حسنی مبارك، نصرت الهی بود ؛ پدید آمدن موج پر قدرت بیداری اسلامی در منطقه ، نصرت الهی است ؛ برافتادن پرده‌ی نفاق و تزویر از چهره‌ی آمریکا و انگلیس و فرانسه و تنفّر روز افزون ملتهای منطقه از آنان ، نصرت الهی است ؛ گرفتاریهای پی در پی و بی‌شمار رژیم صهیونیست ، از مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی داخلی‌اش گرفته تا انزوای جهانی و انزجار عمومی و حتی دانشگاههای اروپائی از آن ، همه و همه مظاهر نصرت الهی است .

امروز رژیم صهیونیستی از همیشه منفورتر و ضعیفتر و منزوی‌تر ، و حامی اصلی‌اش آمریکا از همیشه گرفتارتر و سردرگم‌تر است .

اکنون صفحه‌ی کلّی و اجمالی فلسطین در شصت و چند سال گذشته ، پیش روی ما است . آینده را باید با نگاه به آن و درس‌گیری از آن تنظیم کرد .

دو نکته را پیشاپیش باید روشن کرد :

اول : اینکه مدّعای ما آزادی فلسطین است ، نه آزادی بخشی از فلسطین . هر طرحی که بخواهد فلسطین را تقسیم کند ، یکسره مردود است . طرح دو دولت که لباس حق به جانبِ « پذیرش دولت فلسطین به عضویت سازمان ملل » را بر آن پوشانده‌اند ، چیزی جز تن دادن به خواسته‌ی صهیونیستها یعنی « پذیرش دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین » نیست . این به معنی پایمال کردن حق ملت فلسطین ، نادیده گرفتن حق تاریخی آوارگان فلسطینی ، و حتی تهدید حق فلسطینیان ساکن سرزمینهای ۱۹۴۸ است . به معنای باقی ماندن غده‌ی سرطانی و تهدید دائمی پیکره‌ی امت اسلامی ، مخصوصاً ملتهای منطقه است . به معنای تکرار رنجهای دهها ساله و پایمال کردن خون شهدا است .

هر طرح عملیاتی باید بر مبنای اصل : « همه‌ی فلسطین برای همه‌ی مردم فلسطین » باشد . فلسطین ، فلسطینِ « از نهر تا بحر » است ، نه حتی یك وجب کمتر . البته این نکته نباید نادیده بماند که ملت فلسطین همانطور که در غزه عمل کرده‌اند ، هر بخش از خاك فلسطین را که بتوانند آزاد کنند ، به وسیله‌ی دولت برگزیده‌ی خود ، اداره‌ی امور آن را برعهده خواهند گرفت ولی هرگز هدف نهائی را از یاد نخواهند برد .

نکته‌ی دوم : آن است که برای دستیابی به این هدف والا ، کار لازم است نه حرف ؛ جدی بودن لازم است نه کارهای نمایشی ؛ صبر و تدبیر لازم است نه رفتارهای بی‌صبرانه و دچار تلوّن . باید به افقهای دور نگریست و قدم به قدم با عزم و توکل و امید به پیش رفت . دولتها و ملتهای مسلمان ، گروههای مقاومت در فلسطین و لبنان و دیگر کشورها ، هر یك میتوانند نقش و سهم خود از این مجاهدتِ همگانی را بشناسند و باذن الله جدول مقاومت را پر کنند .

طرح جمهوری اسلامی برای حلّ قضیه‌ی فلسطین و التیام این زخم کهنه ، طرحی روشن ، منطقی و منطبق بر معارف سیاسی پذیرفته شده‌ی افکار عمومی جهانی است که قبلاً به تفصیل ارائه شده است . ما نه جنگ کلاسیك ارتشهای کشورهای اسلامی را پیشنهاد میکنیم ، و نه به دریا ریختن یهودیان مهاجر را ، و نه البته حکمیّت سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین‌المللی را . ما همه پرسی از ملت فلسطین را پیشنهاد میکنیم . ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند . همه‌ی مردم اصلی فلسطین از مسلمان و مسیحی و یهودی ـ نه مهاجران بیگانه ـ در هر جا هستند ؛ در داخل فلسطین ، در اردوگاهها و در هر نقطه‌ی دیگر ، در یك همه پرسی عمومی و منضبط ، شرکت کنند و نظام آینده‌ی فلسطین را تعیین کنند . آن نظام و دولت برآمده از آن پس از استقرار ، تکلیف مهاجران غیر فلسطینی را که در سالیان گذشته به این کشور کوچ کرده‌اند ، معین خواهد کرد . این یك طرح عادلانه و منطقی است که افکار عمومی جهانی آن را به درستی درك میکند و میتواند از حمایت ملتها و دولتهای مستقل برخوردار شود . البته انتظار نداریم که صهیونیستهای غاصب به آسانی به آن تن در دهند ، و اینجا است که نقش دولتها و ملتها و سازمانهای مقاومت شکل میگیرد و معنی می‌یابد .

مهمترین رکن حمایت از ملت فلسطین ، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است ، و این وظیفه‌ی بزرگ دولتهای اسلامی است. اکنون پس از به میدان آمدن ملتها و شعارهای قدرتمندانه‌ی آنان بر ضد رژیم صهیونیست ، دولتهای مسلمان با چه منطقی روابط خود با رژیم غاصب را ادامه میدهند ؟ سند صداقت دولتهای مسلمان در جانبداریشان از

ملت فلسطین ، قطع روابط آشکار و پنهان سیاسی و اقتصادی با آن رژیم است . دولتهائی که میزبان سفارتخانه‌ها یا دفاتر اقتصادی صهیونیستهایند نمیتوانند مدّعی دفاع از فلسطین باشند و هیچ شعار ضد صهیونیستی از سوی آنان ، جدی و واقعی تلقی نخواهد شد.
سازمانهای مقاومت اسلامی که بار سنگین جهاد را در سالهای گذشته بر دوش داشته‌اند ، امروز نیز با همان تکلیف بزرگ روبرویند . مقاومت سازمان یافته‌ی آنان ، بازوی فعالی است که میتواند ملت فلسطین را به سوی این هدف نهائی به پیش ببرد. مقاومت شجاعانه از سوی مردمی که خانه و کشورشان اشغال شده ، در همه‌ی میثاقهای بین‌المللی ، به رسمیت شناخته شده و مورد تحسین و تجلیل قرار گرفته است . تهمت تروریزم از سوی شبکه‌ی سیاسی و رسانه‌ئی وابسته به صهیونیزم ، سخن پوچ و بی‌ارزشی است . تروریست آشکار ، رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آنهایند ؛ و مقاومت فلسطینی ، حرکتی ضّد تروریستهای جرار و حرکتی انسانی و مقدس است .
در این میان ، کشورهای غربی نیز شایسته است صحنه را با نگاهی واقع بینانه بنگرند . غرب امروز بر سر دو راهی است . یا باید دست از زورگوئی طولانی مدت خود بردارد و حق ملت فلسطین را بشناسد و بیش از این از نقشه‌ی صهیونیستهای زورگو و ضّد بشر پیروی نکند ، و یا در انتظار ضربه‌های سخت‌تر در آینده‌ی نه چندان دور باشد . این ضربه‌های فلج کننده فقط سقوط پی در پی حکومتهای گوش به فرمان آنان در منطقه‌ی اسلامی نیست ، بلکه آن روزی که ملتهای اروپا و آمریکا دریابند که بیشترین گرفتاریهای اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی آنان منشأ گرفته از سلطه‌ی اختاپوسی صهیونیزم بین‌الملل بر دولتهای آنهاست ، و دولت مردان آنان به خاطر منافع شخصی و حزبی خود ، مطیع و تسلیم در برابر زورگوئیهای کمپانی‌داران زالو صفت صهیونیست در آمریکا و اروپایند ، آنچنان جهنّمی برای آنان به وجود خواهند آورد که هیچ راه خلاصی از آن متصور نیست .
رئیس جمهور آمریکا میگوید که امنیت اسرائیل خط قرمز اوست . این خط قرمز را چه عاملی ترسیم کرده است ؟ منافع ملت آمریکا یا نیاز شخص اوباما به پول و پشتیبانی کمپانیهای صهیونیستی برای به دست آوردن کرسی دومین دوره‌ی ریاست جمهوری ؟ تا کی شماها خواهید توانست ملت خود را فریب دهید ؟ آن روزی که ملت آمریکا به درستی دریابد که شماها برای چند صباح بیشتر باقی ماندن در قدرت ، تن به ذلت و تبعیت و خاکساری در برابر زر سالاران صهیونیست داده‌اید و مصالح ملت بزرگی را در پای آنان قربان کرده‌اید با شما چه خواهد کرد؟
حضار گرامی و برادران و خواهران عزیز بدانید این خط قرمز اوباما و امثال او به دست ملتهای به پا خواسته‌ی مسلمان شکسته خواهد شد . آنچه رژیم صهیونیست را تهدید میکند ، موشکهای ایران یا گروه‌های مقاومت نیست تا در برابر آن سپر موشکی در اینجا و آنجا به پا کنند ؛ تهدید حقیقی و بدون علاج ، عزم راسخ مردان و زنان و جوانانی در کشورهای اسلامی است که دیگر نمیخواهند آمریکا و اروپا و عوامل دست نشانده‌شان بر آنان حکومت و تحکم و آنان را تحقیر کنند. البته آن موشکها هم هرگاه تهدیدی از سوی دشمن بروز کند وظیفه‌ی خود را انجام خواهند داد .

فاصبر ان وعد الله حق ولا یستخفنّك الذین لا یوقنون .
والسلام علیکم و رحمة الله